

درس پنجم

هفت خان رستم

نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: کتاب شاهنامه‌ی، فردوسی با تلخیص و بازنویسی

شاعر: فردوسی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها، به ترتیب سطرها و بیت‌ها

هفت‌خان: نام هفت مرحله از جنگ‌های رستم	رخش: اسم اسب رستم؛ در لغت به معنی رنگ سرخ و سفید مخلوط شده است.
مرحله: فاصله‌ی بین دو منزل که مسافر طی می‌کرده است، قسمت	زابلستان: نام شهری در استان سیستان و بلوچستان
اهریمن: شیطان و ابلیس	قوی پنجه: زورمند، توانا
کیکاووس: پادشاه نادان و بی‌اراده‌ی ایرانی	سخت: پُر از رنج و زحمت
دیوان: جمع دیو، موجودات خیالی و ترسناک	تیمار کردن: مراقبت کردن، خدمت کردن، رسیدگی به آب و خوراک حیوان.
رهایی: آزادی	نخجیر: شکار، حیوانی را که شکار کنند.
بند: طناب، ریسمان، اسارت	فرجام: پایان، آخرکار، عاقبت کار
اژدها: جانور افسانه‌ای بزرگ به شکل سوسمار که اغلب دو سر دارد.	دیده: چشم
پیکار: جنگ	پرخاش: جنگ و ستیزه جویی، دُرستی
نبرد: جنگ	سُم: قسمت انتهایی انگشتان حیوانات که مثل کفش برای آن‌هاست.

آذر گُشسب: آتش تند و تیز، در شاهنامه کنایه از هرچیز مورد نیایش آمده و نیز اسم یکی از پهلوانان است.	چاک چاک: پاره پاره
یال: موهای بلند پشت گردن اسب	سهمگین: خوفناک، ترس آور، ترسناک
دلیر: شجاع، در این جا همان رستم است.	بَر: سینه، تن
دیو سپید: در خان هفتم که رستم و اولاد به «هفت کوه» محلّ زندگی دیو رسیدند، رستم دست و پای اولاد دیو را بست و سپس به غار حمله کرد و دیو سپید را از پا درآورد.	بدین سان: به این گونه
ز بهر: به خاطر	قصد: خواست و اراده برای انجام کاری
نیایش: راز و نیاز کردن با خداوند	حیله: مکر و فریب
داور: انصاف دهنده، خدای تعالی	چیره: غالب: پیروز (چیرگی: پیروزی)
دادگر: کسی که با عدالت رفتار می کند.	خم: در این درس به معنی حلقه ی طناب
گُردی: پهلوانی، دلیری	کمند: طناب، بند، ریسمان
	بیم: ترس
دستگاه: شکوه، قدرت، عظمت	أولاد: نام دیوی است که در خان پنجم، رستم با وی و سپاهیانش مواجه می شود و آن ها را تا رو مار می کند. ارژنگ دیو: نام یکی از سرداران دیو سپید است. ششمین خان رستم، جنگ با ارژنگ دیو است.

معنی جمله ها

* می گویند «از هفت خان رستم» گذشته است.

معنی: به کنایه: توانسته است، مراحل دشواری را پشت سر بگذارد و به موفقیت برسد.

* دیوها را از پای درمی آورد.

معنی: به کنایه: دیوها را نابود می کرد.

* رخس به تنگ می آید.

معنی: به کنایه: رخس، خسته می شود.

معنی بیت‌ها

بیت ۱: خروشید و جوشید و برکند خاک / زسُمّش زمین شد همه، چاک چاک

معنی: رخس، شیهه کشید و جَسْت و خیزگنان، از شدت خشم با ضربه‌های سُمّش، زمین را پاره پاره کرد.

نکته‌ی آرایه‌ای: در این بیت مبالغه به کار رفته است: در خشم رخس، اغراق شده است.

بیت ۲: بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش / فرو ریخت چون رود، خون از برش

معنی: رستم با شمشیر، سرش را از تن جدا کرد و خون فراوانی از تن اژدها جاری شد.

نکته‌های آرایه‌ای: تشبیه: خون: مشبه و رود: مشبه‌به / در ریخته شدن خون، مبالغه شده است.

بیت ۳: بینداخت چون باد، خَمّ کمند / سر جادو آورد ناگه به بند

معنی: رستم با سرعت بسیار، طناب را به طرف جادوگر پرتاب کرد و سرش را با ریسمان بست و او را اسیر کرد.

نکته‌های آرایه‌ای: چون باد ← تشبیه / کنایه در سرعت بسیار دارد و مبالغه شده است.

بیت ۴: میانش به خنجر به دو نیم کرد / دل جادوان زو پُر از بیم کرد

معنی: با خنجر، جادوگر را از کمر، نصف کرد و تمام جادوگران از این اتفاق ترسیدند.

بیت ۵: چو رستم بدیدش برانگیخت اسب / بدو تاخت مانند آذرگشسب

معنی: وقتی رستم او را دید، اسبش را به حرکت درآورد و مانند آتش تندی، به سرعت روانه شد.

نکته‌ی دستوری: «چو» در مصراع اول به معنی «زمانی که»، «وقتی که»، حرف ربط است؛ بنابراین، نباید با

نشانه‌ی تشبیه (ادات تشبیه) اشتباه کرد. / مرجع «او»، ارژنگ دیو است.

نکته‌های آرایه‌ای: مانند آذرگشسب ← تشبیه / تاختن مانند آذر گشسب: کنایه از تند و سریع حرکت کردن

بیت ۶: سر و گوش بگرفت و یالش دلیر / سر از تن بکندش به کردار شیر

معنی: رستم سر و گردن ارژنگ دیو را گرفت و مانند شیر شجاع و قوی سرش را از تن جدا کرد.

نکته‌ی آرایه‌ای: به کردار(= مانند) شیر ← تشبیه

بیت ۷: ز بهر نیایش، سر و تن بشُست / یکی پاک جای پرستش بجُست

معنی: رستم برای راز و نیاز با خداوند، خودش را سُست و جای پاکی را برای عبادت کردن پیدا کرد.
نکته‌ی دستوری: نیایش، متمم است و سر و تن، مفعول می‌باشد. / پاک جای، ترکیب وصفی مقلوب است: جای پاک / یکی پاک جای پرستش، گروه مفعولی است.

بیت ۸: از آن پس نهاد از بر خاک، سر چنین گفت: کای داور دادگر!

معنی: بعد از این مشغول عبادت و راز و نیاز با خداوند شد و گفت: ای خداوند بزرگ و عادل!

نکته‌ی دستوری: داور دادگر، ترکیب وصفی است و نقش منادا دارد.

نکته‌ی آرایه‌ای: سر بر خاک نهاد: کنایه از فروتنی و فرمان‌برداری کردن. در این درس یعنی راز و نیاز کردن.

نکته‌ی ادبی: این بیت: موقوف‌المعانی است و با بیت بعدی کامل می‌شود.

توضیح بیشتر

موقوف‌المعانی: بیتی که از نظر معنی، کامل نباشد و با بیت یا بیت‌های بعدی کامل شود.
(بیت‌هایی که از نظر معنی به هم وابسته هستند.)

بیت ۹: ز هر بد، تویی بندگان را پناه تو دادی مرا، گردی و دستگاه

معنی: پروردگارا! در برابر تمام بدی‌ها، پناهگاه بندگان هستی و تو به من پهلوانی، قدرت و عظمت داده‌ای.

نکته‌ی دستوری: «را» در مصراع اول، نشانه‌ی مفعولی نیست و در مصراع دوم، «را» به معنی «به» است و حرف اضافه می‌باشد (مرا = به من)

پیام درس

این درس درباره‌ی هفت خان رستم مطالبی گفته است. رستم برای نجات دادن کیکاووس، پادشاه ایران،

به مازندران می‌رود و با دیوها می‌جنگد. رستم در این سفر، هفت مرحله‌ی سخت و دشوار را طی می‌کند که به

آن هفت‌خان می‌گویند.

- هفت خان رستم، عبارت‌اند از:
- ۱- رخش، شیر را می‌کشد.
 - ۲- رستم بر تشنگی غلبه می‌کند.
 - ۳- رستم، اژدها را می‌کشد.
 - ۴- رستم جادوگر را از بین می‌برد.
 - ۵- اولاد دیو به دست رستم، اسیر می‌شود.
 - ۶- رستم، ارژنگ دیو را شکست می‌دهد.
 - ۷- رستم، دیو سپید را می‌کشد.

تاریخ ادبیات

شاهنامه‌ی فردوسی

شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان و شاهکار حماسه‌ی ملی ایرانیان است.

شاهنامه اثری است منظوم که شامل پنجاه هزار بیت است و سرودن آن حدود سی سال طول کشیده است.

فردوسی خود درباره‌ی شاهنامه می‌گوید:

من این نامه فرخ (= شاهنامه) گرفتم به فال همه رنج بُردم به بسیار سال

در سال ۲۰۱۰ میلادی، هزارمین سالگرد نوشته شدن شاهنامه، از سوی یونسکو، جشن گرفته شد.

بخوان و بیندیش

دوستانِ همدل نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: کتاب مجموعه داستان جایزه، محمدرضا رهگذر

همدل: یکرنگ، متحد	دستپاچگی: آشفتگی و نگرانی
غریبی: بیگانه بودن، ناآشنا بودن	حالت عجیبی: حالت شگفت‌انگیز و غیر عادی
همهمه: سر و صدا و شلوغی	کشان‌کشان: به زور، در حالت کشیدن
مبصر: دانش‌آموزی که از طرف ناظم، نظم کلاس را به عهده دارد.	غلطی: اشتباهی، کار اشتباه و خطا
تندی: در این درس به معنی خشم است.	هورا: فریاد شادی کشیدن
خطاب: شخصی را طرف مقابل سخن قرار دادن	سبکی: راحتی و آرامش (احساس سبکی کردم).
نصیحت: پند و اندرز	
به خود آمدم: هوشیار شدم، بر سر عقل آمدم	

پیام درس

آن چیزی که مهم است، احساس مشترک داشتن و درک متقابل است؛ یعنی مهم نیست که ما اهل کجا هستیم یا به چه زبانی با هم صحبت می‌کنیم؛ مهم این است که با یکدیگر، مهربان و صمیمی باشیم. علاوه بر این، باید در زندگی از عقل و خرد خود استفاده بکنیم و کارهای اشتباهی را انجام ندهیم که زندگی ما را خراب بکند.

• مخالف :

آسان : سخت	سرانجام : آغاز	تشنه : سیراب
پیروزی : شکست	قوی پنجه : ضعیف پنجه	زشت : زیبا
آسان : سخت	وابسته : مستقل	راضی : شاکی

• هم خانواده

عابر : عبور – معبر	رضایت : راضی	حوادث : حادثه
مراحل : مرحله	حرکت : متحرک – حرکات – تحرک	وظایف : وظیفه

مریم عزیزی – تالار تلگرامی معلمان ششم ابتدایی (دکتر صفایی)